



امین توحیدی / پژوهشگر مؤسسه انقلاب اسلامی
علی ذوعلم / عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

اشاره

این مقاله از مجموعه مقالات دومین هفته علمی «تمدن نوین اسلامی» که به همت سازمان‌ها و پژوهشکده‌های مختلف و از جمله مرکز پژوهش‌های علوم اسلامی صدر برگزار شده است انتخاب و تقدیم شملی شود.

چکیده

این مقاله با تکیه بر اینکه مباحث مرتبط با تمدن نوین اسلامی در حد تئوری باقی مانده‌اند، به کمبود تلاش‌های عملیاتی برای نگاشت مفاهیم مطلوب حوزه نظریه‌پردازی در حوزه جهان واقع خواهد پرداخت. مرحله اول در راه عملیاتی شدن تمدن نوین اسلامی، بازنویسی اسناد بالادستی جمهوری اسلامی با دیدگاه تمدن نوین اسلامی است تا مسئولان

براساس این اسناد، نقشه راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی را پایه‌ریزی کنند. بدین منظور، در این مقاله ابتدا تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری معرفی شده است تا تصویر روشنی از مؤلفه‌های اصلی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه دو رهبر جمهوری اسلامی ایران به دست آید. پس از آن، برای درک بهتر چشم‌اندازهای عملیاتی در حوزه تمدن نوین اسلامی، از میان اسناد بالادستی متعدد، مفهوم تمدن نوین اسلامی در نقشه مهندسی فرهنگی کشور بررسی شده است. نویسندگان در پایان دریافته‌اند که تمرکز این نقشه در بخش عملیاتی، بیشتر بر سیاست‌های افزایش جمعیت بوده و این نقشه برنامه دقیق برای پیشبرد مفاهیم ذیل تمدن‌سازی نوین اسلامی ندارد.



تمدن نیز همانند دیگر مفاهیم حوزه علوم انسانی مفهومی است که تعریف واحدی برای آن وجود ندارد و مشابه داستان فیل در تاریکی، بر اساس نوع دیدگاه محققان تعریف‌های متعددی برای آن ذکر شده است

همچنین، پیشنهادهایی به منظور در نظر گرفتن مفهوم تمدن نوین اسلامی در نقشه مهندسی فرهنگی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، نگاشت عملی حوزه‌های نظری، نقشه مهندسی فرهنگی کشور.

مقدمه و طرح مسئله

تمدن نوین اسلامی در سال‌های اخیر به منزله نشانان مشترک، در سطح نخبگان جامعه انقلابی مطرح شده است. با این حال، گرچه فرایند ساخته شدن هر تمدن روندی رفت و برگشتی میان بخش‌های فکری و بخش‌های عملیاتی خواهد داشت، به نظر می‌رسد این مسئله در لابه‌لای نظریه‌پردازی و گفت‌وگوهای فکری باقی مانده است. این روند، در صورت ادامه، به نامیدی نسل موجود از تحقق پیاده‌سازی اسلام در بعد عملیاتی و اجتماعی خواهد انجامید.

در واقع، پدیده نظری ماندن فرایند تمدن‌سازی اسلامی دو ریشه عمده دارد:

ریشه نخست آنجاست که تغییر تمدنی به نظر برخی از مسئولان، نخبگان علمی و پژوهشگران غرب‌گرا، امری بعید و ناممکن به نظر می‌رسد؛ چنانکه گاه تصمیم به تجددگرایی یا تجددگرایی الی‌الابد می‌گیرند و تلاش ایجابی برای ایجاد چارچوب‌های تمدن اسلامی در دنیای متجدد فعلی با تثبیت تمدن غرب در طی مدت چهارصد سال را بی‌ثمر می‌پندارند. در این خصوص باید توجه داشت که مسیر تحول تمدنی، با تمام پیچیدگی‌هایش، مسیری است که پیش از این در غرب طی شده است. در واقع شاید بتوان گفت تمدن جهان مدرن امروز، پس از آنکه عقب‌ماندگی خود را در دوران قرون وسطا یافت، یک واکنش گسترده و همه‌جانبه را برای آغاز دوباره، با الهام گرفتن از دوران پیش از قرون وسطا (دوران مکاتب فلسفی رئالیسم) در پیش گرفته است (حنایی کاشانی، ۱۳۸۲: ۶۵-۶۶). در اینجا بررسی درستی این تصمیم و قضاوت‌های مرتبط با آن هدف نیست، بلکه قصد آن است که با دیدن صحنه این تغییر بنیادین تمدنی (از دوران وسطا تا دوران مدرن و پسامدرن) در تمام عرصه‌های آن، این عبرت گرفته شود که چنین تغییری، هر چند پیچیده و تدریجی، ولی ممکن است.

بعد دوم مشکل یاد شده - که خود می‌تواند به تشدید مشکل نخست نیز کمک کند - به ناکافی بودن تلاش‌های حوزه عملیات برای نگاشت همه

مفاهیم مطلوب در حوزه نظریه‌پردازی به حوزه جهان واقع بازمی‌گردد. در واقع، اگر برنامه‌ریزی‌های فرهنگی صرفاً صبغهای تدافعی یا غربال‌گونه در مقابل مسائل فرهنگی دنیای مدرن پیدا کنند، بی‌شک نمی‌توان انتظار داشت که تمدن نوین اسلامی پیشرفت چشمگیری داشته باشد.

تمدن نیز همانند دیگر مفاهیم حوزه علوم انسانی مفهومی است که تعریف واحدی برای آن وجود ندارد و مشابه داستان فیل در تاریکی، بر اساس نوع دیدگاه محققان تعریف‌های متعددی برای آن ذکر شده است؛ چنانکه از دید یک مستشرق، تمدن اسلامی به این دلیل تمدن نامیده می‌شود که باعث اکتشافات و اختراعاتی همچون الکل، شکر، آلات موسیقی، و پیشرفت در نجوم و ریاضیات شده است (Stems, ۲۰۱۰). برخی دیگر از مستشرقان به موضوع‌های عربی دانستن تمدن اسلامی، انحصار نقش مسلمانان در نقش یک محافظ خوب، عدم تأثیر تمدن اسلامی بر تمدن غرب و ... پرداخته‌اند (صیادنژاد، ۱۳۸۷: ۲-۱).

برخی تمدن را به اقتدار سیاسی تعریف کرده‌اند (باودن، ۱۳۹۵: ۲۵۵-۲۵۰). ویل دورانت آن را بسط فرهنگ و هنر نامیده است (جاودانی صبوری و حسنی، ۱۳۹۲). ابن خلدون آن را تحت عنوان «حضاره» و در برابر «بادیه‌نشینی» به معنای استقرار در یک مکان مشخص، تعریف کرده است. به‌طور خلاصه، تمدن را می‌توان عالی‌ترین صورت‌بندی زندگی اجتماعی بشر در یک گستره جغرافیایی وسیع - که به نحو مشخصی از ادوار گذشته متمایز است - تعریف کرد (جهان‌بین، ۱۳۹۵).

در این مقاله، ابتدا به بررسی موجزی از منویات دو رهبر انقلاب اسلامی ایران در خصوص تمدن نوین اسلامی پرداخته می‌شود. سپس در بخش اصلی مقاله، با توجه به اینکه فرهنگ را می‌توان نرم‌افزار رسیدن به تمدن نوین اسلامی قلمداد کرد، سند مهندسی فرهنگی کشور با دید تمدن نوین اسلامی بررسی می‌شود.

مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

اما تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب چه معنایی دارد؟ از دیدگاه حضرت امام، تمدن تنها جنبه مادی ندارد، بلکه یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های جامعه متمدن، تربیت انسان اخلاقی، وارسته و فرهیخته است. البته ایشان از جنبه‌های مادی تمدن نیز غافل نیستند.

چنانکه می‌فرمایند: «در زمان شاه هیچ‌یک از آثار تمدن را نداریم؛ مریض‌خانه و آسفالته و آب نداریم» (فوزی‌یحیی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۲). ایشان همچنین خودکفایی، آزادی مطبوعات در اظهار عقاید و خضوع در برابر مذهب و قانون را جزو شاخص‌های تمدن می‌دانستند.

نکته مهم دیگر اینکه امام خمینی (ره)، برخلاف متفکرانی که با تمام تمدن غرب مخالفانند و آن را نفی می‌کنند، بیشتر مظاهر تمدن غرب را - به شرط استفاده صحیح از آن - قبول دارند (همان، ص ۲۴). ایشان تمدن غرب را یک تمدن نامتوازن می‌دانند که فقط در مادیات رشد کرده است و به رشد و تعالی معنوی انسان توجه ندارد. برخی از ویژگی‌های تمدن غرب، از جمله مجلس قانون‌گذاری، انتخابات، تفکیک قوا و تحزب را مفید قلمداد می‌کنند و در مقابل، دوری از معنویت، فساد و استعمار را جزو نکات منفی آن برمی‌شمردند. همچنین بیان می‌دارند: فساد با استعمار رابطه تنگاتنگی دارد و باید با آن وجوه از تمدن که فساد اخلاق و فساد عفت به بار می‌آورند، برخورد کرد. زیرا فساد باعث می‌شود جوان بی‌فایده و بی‌تفاوت شود.

از دیدگاه امام خمینی (ره)، زندگی دنیایی، رفاه مادی و امکانات باید در خدمت تعالی معنوی باشند. پس زندگی مادی و دنیایی، هرچند مهم است، هدف و مقصد نیست. ایشان همچنین ویژگی‌های شهادت‌طلبی، ایمان و اسلام را وجه تمایز تمدن اسلامی از دیگر تمدن‌ها دانسته و تفرقه و دور شدن از تعالیم اسلامی را جزو عوامل انحطاط تمدن اسلامی برشمرده‌اند (همان: ص ۳۴).

متفکران اسلامی تمدن را متشکل از مجموعه‌ای نظام اجتماعی همچون نظام اقتصادی، حقوقی، تربیتی، عبادی و همین‌طور سیاسی می‌دانند و معتقدند اساساً همین نظام‌ها هستند که تمامیت یک تمدن را شکل می‌دهند. این دیدگاه در منظومه فکری مقام معظم رهبری نظر غالب است (ره‌دار و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۰).

به‌طور کلی، درباره حرکت‌های اجتماعی و رشد اجتماعی مردم دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول با اشاره به آیه «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم» (رعد/۱)، لزوم تغییرات اجتماعی را به تغییرات فردی افراد محدود می‌داند، اما دیدگاه دوم معتقد است تغییرات نظام‌های اجتماعی باعث تغییر در افراد می‌شوند. نظر مقام معظم رهبری به دیدگاه دوم نزدیک‌تر است؛ چنانکه درباره نظام‌های اجتماعی می‌فرمایند:

«من همیشه نظام‌های اجتماعی را به توره‌ای

ماهی‌گیری مثال می‌زنم که گاهی در میان خود هزاران ماهی را می‌کشاند به یک سمت خاص، و آن ماهیان خودشان متوجه نیستند که با همان حرکت تور، دارند به یک طرف کشیده می‌شوند و نمی‌فهمند که کسی دارد آن‌ها را هدایت می‌کند به داخل تور. آن‌ها خیال می‌کنند آزادند و دارند راه می‌روند. هیچ احساس اسارت هم نمی‌کنند. نظام‌های اجتماعی این چنین‌اند؛ حتی نظام اجتماعی صحیح هم به یک معنا همین‌طور است. اگر چه او دیگر اسیر نیست؛ چون در او آگاهی و بینایی هست. وانگهی نظام مستند به خدا و بندگی، بالاخره بندگی خداست. اما هر نظام اجتماعی این خصوصیت را دارد. انسان‌ها در نظام اجتماعی داخل یک تور نامرئی هستند و دارند کشانده می‌شوند به یک طرفی. چنانچه آن‌ها را به طرف بهشت ببرند، انسان‌ها به طرف بهشت می‌روند و اگر به طرف جهنم ببرند، انسان‌ها دارند به طرف جهنم کشانده می‌شوند (حسینی‌خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۱/۲۶).

به‌طور کلی، دیدگاه مقام معظم رهبری درباره مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی با دیدگاه‌های امام همسوست. با این حال، دیدگاه امام خمینی (ره) درباره تمدن شامل شاهد مثال‌هایی بوده است. در صورتی که مقام معظم رهبری به‌صورت نظام‌مندتر به طرح بحث تمدن نوین اسلامی پرداخته‌اند؛ به‌گونه‌ای که ایشان تمدن نوین اسلامی را فضایی می‌دانند که در آن انسان می‌تواند به رشد معنوی و مادی برسد تا به غایت مطلوبی که خداوند او را برای آن آفریده است، دست یابد. ایشان همانند امام که محوریت قرآن را پیش‌نیاز امت واحده می‌دانند، با اعتقاد به همه‌گیر بودن قرآن در جامعه اسلامی و اهمیت فوق‌العاده آن، محوریت قرآن را جزو مقومات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی برمی‌شمردند (اکبری و رضایی، ۱۳۹۴: ۹۱).

خادمحوری و ایمان به خالق انسان‌ها از دیگر شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی است که براساس آن سبک زندگی ساخته می‌شود. همین‌جا مشخص می‌شود که چگونه بنیان‌های فلسفی تمدن اسلامی با بنیان‌های جاری تمدن انسان‌محور غربی متفاوت می‌شود. انتظار می‌رود این تفاوت در حوزه عملیات نیز در نظر گرفته شود.

خردورزی و عقلانیت نیز یکی دیگر از شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری است؛ به‌گونه‌ای که ایشان دوری روحانیت غربی از عقل‌گرایی در قبل از رنسانس را باعث پیدایش تمدن غربی مخالف دین می‌دانند. از دیگر مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی، می‌توان



خادمحوری و ایمان به خالق انسان‌ها از دیگر شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی است که براساس آن سبک زندگی ساخته می‌شود. همین‌جا مشخص می‌شود که چگونه بنیان‌های فلسفی تمدن اسلامی با بنیان‌های جاری تمدن انسان‌محور غربی متفاوت می‌شود



**در صورتی که
در جامعه به
جای حاکمیت
شایسته‌سالاری
و اصول انسانی،
فساد مالی و
اشرافی‌گری
حاکم باشد
و رزق حلال
دغدغه مردم
آن جامعه
نباشد، انجام
فعالیت‌های
فرهنگی تأثیر
چندانی روی
جامعه نخواهد
گذاشت**

به علم همراه با معنویت اشاره کرد که یافته‌های علمی باید در جهت خدمت به بشریت به کار روند، نه در جهت قتل و کشتار آن‌ها. همچنین، ایشان در جای دیگری، اسلام، خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه اصلی فرهنگ صحیح می‌دانند که باید به‌طور جدی به این مقولات پرداخته شود (همان: ۹۲).

مجاهدت از دیگر مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی است که تفاوت آن با تلاش و پشتکار غربی، طبق آیه شریفه «و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا» (عنکبوت/ ۶۹)، اخلاص و تلاش برای خدا و در راه خداست. ایجاد رفاه عمومی به همراه عدالت، از دیگر پارامترهایی است که در صورت تحقق آن می‌توان گفت به تمدن نوین اسلامی نزدیک شده‌ایم.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، هر دو رهبر انقلاب اسلامی به هر دو بعد مادی و معنوی پیشرفت در تمدن نوین اسلامی اشاره کرده‌اند و اسلامی کردن نظام‌های تربیتی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی و همچنین اصلاح روابط میان این نظام‌ها و بر مبنای اصول کلی دین را مصداق تمدن نوین اسلامی برمی‌شمرند.

معرفی اجمالی نقشه مهندسی فرهنگی

نقشه مهندسی فرهنگی شامل یک مقدمه و هفت فصل است. در تهیه این نقشه، با توجه به اینکه نخستین سند در این حوزه است، سعی شده از حداکثر توان و ظرفیت نیروهای داخلی برای تدوین آن بهره گرفته شود. نقشه مهندسی فرهنگی در لایه‌های گوناگون مبانی، ارزش‌ها، اصول و اهداف تدوین شده است (محمدیان، ۱۳۹۵/۰۷/۱۰). در واقع، این نقشه می‌تواند به مثابه رهبر ارکستر، انواع فعالیت‌های فرهنگی را با یکدیگر هماهنگ کند تا صدای گوش‌نوازی از این ارکستر بیرون بیاید. در غیر این صورت، اگر هر بخش فرهنگی ساز خود را بزند و بسیار هم خوب بنوازد، با توجه به ناهماهنگی با سازهای دیگر، خروجی آن صدای زیبایی نخواهد بود (همان).

در واقع در نقشه مهندسی فرهنگی باید نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بازطراحی شوند تا بتوانند در راستای اهداف جمهوری اسلامی ایران گام بردارند و امکان بالفعل شدن همه توانایی‌های کشور، به‌ویژه توانایی‌های انسانی، در بستر فرهنگ و ارزش‌های الهی اسلامی فراهم شود (پورزنجانی، ۱۳۸۸: ۹۳). به عبارت دیگر، در صورتی که در جامعه به جای حاکمیت شایسته‌سالاری و اصول انسانی، فساد مالی و اشرافی‌گری حاکم باشد و رزق حلال

دغدغه مردم آن جامعه نباشد، انجام فعالیت‌های فرهنگی تأثیر چندانی روی جامعه نخواهد گذاشت. از این‌رو، اصلاح فرهنگ بدون اصلاح کاغذبازی و رشوه در نظام اداری و اصلاح رباخواری در نظام بانکی، فایده نخواهد داشت. بنابراین، اصلاح کلیه نظام‌ها با یکدیگر به‌بالنده شدن نظام فرهنگی می‌انجامد.

این نقشه برای پاسخ‌گویی به چالش‌هایی نظیر جهانی شدن و در نتیجه تحمیل قوانین یکسان برای کل جهان و پذیرش فرهنگ لیبرالیسم و سکولاریسم، و مقابله با تهاجم فرهنگی از طریق ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و رایانه تهیه شده است. در واقع، برای بقا در این فضای متلاطم باید دارای نقشه راه و اهداف روشن، شفاف و مشترک بود که از طریق تدوین این نقشه به دست می‌آید (همان: ۹۴).

یکی از ضعف‌های مهم نقشه مهندسی فرهنگی کشور، اجرایی نبودن آن است. توضیح اینکه، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حکم قانون شمرده می‌شوند و قانون باید به‌گونه‌ای نوشته شود که بتوان به‌راحتی آن را اجرا کرد یا به موازات تدوین آن، شیوه‌نامه اجرایی آن نیز تهیه شود؛ در حالی که این نقشه نیز مانند دیگر اسناد نظری چاپ شده، در حال خاک خوردن است (محمدیان، ۱۳۹۵/۰۹/۱۷). یکی از انتقادات وارد شده به نقشه مهندسی فرهنگی این است که در فصل سوم، قله‌هایی فرهنگی که در چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ تعریف شده‌اند، اولاً ساده و عام‌پسند نیستند؛ ثانیاً رسیدن به تمامی این اهداف ممکن نیست. به تعبیر دیگر، اجرایی بودن این هدف‌گذاری محل مناقشه است (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲؛ و بهمنی، ۱۳۹۲/۰۶/۱۳).

با این حال، هدف این مقاله بررسی امکان نگاشت مفاهیم نظری در حوزه عمل در نقشه مهندسی فرهنگی نیست، بلکه هدف صرفاً بررسی این موضوع است که نقشه مهندسی فرهنگی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی کشور، چه مقوله‌هایی را در جهت تحقق بخشیدن به تمدن نوین اسلامی در نظر گرفته است. در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود.

بررسی جایگاه تمدن نوین اسلامی در

نقشه مهندسی کشور

با توجه به اینکه مقام معظم رهبری رسیدن به تمدن نوین اسلامی را یک نشانان بلندمدت (برای مثال، پنجاه ساله) مطرح کرده‌اند، باید با سرعت بیشتری در تحقق این مهم گام برداشت. به همین منظور، یکی از پژوهش‌های کاربردی، بررسی جایگاه تمدن نوین اسلامی در اسناد بالادستی جمهوری



اسلامی ایران است.

در این مقاله، از میان اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، نقشه مهندسی فرهنگی کشور - به دلیل به روز بودن و اینکه فرهنگ بن مایه تمدن نوین اسلامی است - بررسی شد؛ هر چند اسناد دیگر، مانند سند تحول آموزش و پرورش و نقشه جامع علمی کشور نیز باید با این دید بررسی و ارزیابی شوند. همان گونه که قبلاً اشاره شد، گستره جغرافیایی وسیع، جزو ملازمات تمدن نوین اسلامی است و اگر چه ان شاء الله آغاز این تمدن از ایران است، با این حال هنگامی تمدن نامیده می شود که قابلیت الگوگیری و گسترش در سطح جهان اسلام و در افقی وسیع تر دنیا را دارا باشد، زیرا تمدن نوین اسلامی هنگامی می تواند به عنوان یک بدیل در برابر تمدن غرب مطرح شود که از ظرفیت های موجود در جهان اسلام (شامل منابع انسانی، رشد فناوری و مواهب خدادادی) بهره ببرد. به عبارت دیگر، امکان ساخت تمدن نوین اسلامی با تکیه صرف بر ظرفیت های بومی، وجود ندارد. از این رو، در این مقاله مفهوم گستردگی تمدن نوین اسلامی در سطح جهان اسلام، از فرض های اصلی است و نقشه مهندسی فرهنگی کشور با این دید مطالعه شده است.

نقشه مهندسی فرهنگی کشور در ابتدا قلمرو جغرافیایی و قلمرو اجرایی را کشور ایران در نظر می گیرد و از سوی دیگر، جامعه هدف را جامعه جهانی بیان می کند. به نظر می رسد، از همان ابتدا این نقشه در تعیین محدوده کار دارای تناقض است. به تعبیر دیگر، اگر جامعه هدف در این سند جهان اسلام بود، باید به آسیب شناسی انحرافات فرهنگی در جهان اسلام و اولویت بندی فعالیت های فرهنگی در این حوزه پرداخته می شد. چنانکه هم اکنون نهادهای متعددی مانند سازمان ارتباطات و وزارت امور خارجه متولی انجام کار فرهنگی به صورت جزیره ای و احياناً سلیقه ای در اقصا نقاط جهان اسلام اند. این سند می توانست با توسعه جامعه هدف و ارائه راهکارهای اجرایی، از موازی کاری جلوگیری نماید و در راستای هم افزایی فعالیت ها گام بردارد.

برای مثال، چرا مجاهدان بوسنیایی پس از کمک ایران در جنگ بوسنی، اکنون در مقابل ایران در سوریه در خدمت گروه های تکفیری قرار گرفته اند؛ با اینکه مدت زمان مدیدی از حضور نیروهای ایرانی در بوسنی نگذشته است! آیا جز این است که فعالیت فرهنگی مؤثر و ادامه دار در جهت تألیف قلوب انجام نگرفته است؟ چرا اغلب جریان های جهادی در جهان اسلام، با اینکه خوداگاه یا ناخوداگاه ملهم از انقلاب اسلامی ایران و نهضت امام خمینی (ره) بوده اند، اکنون منحرف شده اند. از همین رو، نبود برنامه ریزی



در بسیاری از موارد، ارائه راهکارهای اجرایی، مهم‌تر از بیان اهداف است، زیرا از ابتدای صدر اسلام، علما برای حفظ معارف عمل کرده‌اند؛ اما به‌منظور پیاده‌سازی و اجرایی کردن این معارف در زندگی روزمره مردم تلاش انجام نگرفته است

در حوزه جهان اسلام، جزو نقاط غفلت این نقشه قلمداد می‌شود.

ادعای نگارندگان این است که نقشه مهندسی فرهنگی با دید ملی و نه تمدن نوین اسلامی نگارش یافته است. در ادامه به ارائه شاهد مثال‌هایی در این زمینه پرداخته می‌شود:

۱. تأکید مکرر و صرف بر ترویج ادبیات، زبان و خط فارسی و انجام کار فرهنگی روی جامعه هدف فارسی‌زبان؛ در صورتی که در دوران کنونی، یادگیری زبان عربی (برای فعالان فرهنگی)، به تشکیل هر چه سریع‌تر جبهه مسلمانان حق طلب کمک می‌کند. افزون بر این، با توجه به اینکه زبان عربی زبان قرآن است که سند مشترک میان همه مسلمانان است، لزوم در نظر گرفتن زبان عربی در این سند بیش از پیش احساس می‌شود.

همچنین، در صورتی که واقع‌بین باشیم، زبان عربی نسبت به زبان فارسی ظرفیت‌های بسیار بیشتری برای قد برافراشتن در برابر زبان انگلیسی - که عملاً به تنهایی به زبان رسمی علم در کل دنیا تبدیل شده است - دارد؛ ظرفیت‌هایی از قبیل وجود دستور زبان بسیار متقن و تدوین شده و مخاطبان بسیار بیشتر. لازم به ذکر است، برنامه‌ریزی برای یادگیری زبان عربی، به معنای کنار گذاشتن زبان فارسی - که جزو مشترکات ملی و مایه اعتماد به نفس جامعه ماست - نیست.

۲. در بخش راهبرد کلان چهارم که به ارائه راهکارهای اجرایی افزایش جمعیت پرداخته است، ظرفیت‌های خوبی که از جانب برادران افغانستانی برای تکمیل خلأ ناشی از پیر شدن جمعیت وجود دارد، نادیده گرفته شده است؛ اقداماتی همچون تسهیل در صدور روادید، ازدواج، تحصیل و اقامت دائمی به همراه خانواده در ایران، می‌تواند راهکارهایی برای استفاده از این ظرفیت باشند؛ چنانکه اکنون کشورهای غربی مشکل کمبود جمعیت خود را با مهاجرت نیروی کار از کشورهای دیگر جبران کرده‌اند. ممکن است بروز آسیب‌های اجتماعی ناشی از ورود غیرقانونی برادران افغانستانی محل مناقشه باشد؛ به‌نظر می‌رسد به دلیل اینکه نیروی کار تنها و به دور از خانواده خود وارد ایران می‌شود، به‌صورت اجتناب‌ناپذیر نظارتی بر رفتارهای اجتماعی او نیست. همچنین، در صورت ورود با همسر و فرزندان، نیاز به خروج درآمد خود از ایران نخواهد داشت.

۳. در بیشتر قسمت‌های این سند، به کلی‌گویی اکتفا شده و حتی اولویت‌بندی فرهنگی نیز انجام نشده است؛ به‌گونه‌ای که تمام نکات مثبت، از مکارم اخلاق اجتماعی گرفته تا ولایت‌مداری و پیشستازی در عرصه هنر و... بدون نگاه به چگونگی اجرای آن‌ها

آورده شده است. برای مثال، با اینکه در چشم‌انداز فرهنگی در سال ۱۴۰۴، جایگاه ایران در عرصه ارتباطات و رسانه در سطح جهان اسلام اول پیش‌بینی شده، ولی در عمل راهکاری برای رسیدن به این جایگاه معرفی نشده است؛ برای نمونه، ایده تشکیل هالیوود اسلامی در ایران یا کشور اسلامی دیگر، نظیر مالزی، و ساخت فیلم‌های بین‌المللی با همکاری‌های مشترک با کشورهای مسلمان در راستای تعمیق وحدت و پررنگ کردن هویت اسلامی، می‌تواند راهگشا باشد؛ یا اینکه نمادی مانند نماد حلال برای فیلم تعریف شود و در صورت وجود چنین نمادی برای فیلم، تماشاگر در هر جای دنیا، از آسیب‌رسان نبودن این فیلم به روح اطمینان حاصل کند؛ و چه نکته جالبی است که مسلمانان نگران غذای جسم هستند که نشان حلال داشته باشد، ولی در خصوص تغذیه روحی خود، اعم از فیلم و موسیقی فکری درباره کنترل حلال بودن آن انجام نده‌اند. مسلم است که تعیین حلیت برای محصولات فرهنگی، بسیار پیچیده‌تر از محصولات غذایی است، اما وجود نشان روی محصولات فرهنگی، سبب هویت‌بخشی به جامعه فرهنگی مسلمان می‌شود. همین‌طور می‌توان در ابتدای فیلم بیان کرد که این فیلم مورد تأیید این مؤسسه بین‌المللی اسلامی است.

در بسیاری از موارد، ارائه راهکارهای اجرایی، مهم‌تر از بیان اهداف است، زیرا از ابتدای صدر اسلام، علما برای حفظ معارف عمل کرده‌اند؛ اما به‌منظور پیاده‌سازی و اجرایی کردن این معارف در زندگی روزمره مردم تلاش درخور توجهی انجام نگرفته است. در ادامه، به نمونه‌هایی از این موارد در نقشه مهندسی فرهنگی کشور پرداخته می‌شود که می‌تواند در قالب حرف نوی تمدن اسلامی در بستر موجود جامعه در نظر گرفته شود:

۴. در راهبرد کلان سوم، خانواده (و نه مدرسه) به‌عنوان واحد اصلی تربیتی در نظر گرفته شده است. این نکته دقیقاً نقطه‌ضعف تمدن غربی است (Wikipedia, ۲۰۰۶) که خانواده در آن جایگاهی ندارد و مزیت مهم تمدن نوین اسلامی شمرده می‌شود (Donald trump tweets). برای تحقق این راهبرد، مواردی نسبتاً کاربردی بیان شده است؛ برای مثال، ایده طراحی معماری خانه‌های چندنسلی، به‌گونه‌ای که در یک خانه، پدر بزرگ و مادر بزرگ بتوانند در کنار پدر و مادر و نوه‌ها زندگی کنند. البته باید توجه داشت، در جامعه سنتی ما، خانه‌های چندنسلی وجود داشت؛ ولی به دلیل نبود معماری درست و در حفظ استقلال خانواده‌ها، وقتی خانواده جدید شکل می‌گرفت، عملاً تا زمانی که توانایی خرید خانه نبود، در این خانه‌ها زندگی می‌کردند. بدین منظور

می‌توان راهکاری اجرایی برای تسهیل در خرید یا اجاره خانه در محله زندگی پدر و مادر و به تبع آن پدر بزرگ و مادر بزرگ در نظر گرفت؛ مشوق‌هایی مانند تسهیل و تخفیف قابل ملاحظه در صدور کارت طرح ترافیک و...؛ چرا که به‌طور خودکار موجب کاهش ترافیک می‌شود و زوج‌های جوان به جای نگهداری فرزندان خود در مهد کودک، از کمک پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ بهره می‌گیرند که در ضمن آن، پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز احساس مفید بودن خواهند کرد.

۵. درباره نگاه به زن، عملاً ایده‌های اجرایی برای حفظ کرامت وی در نظر گرفته نشده است. برای مثال، می‌توان شغل منعطفی برای زن از طریق دور کاری و در بستر اینترنت فراهم کرد؛ به‌گونه‌ای که زن مجبور نباشد هر روز هشت ساعت مفید برای کار، تربیت فرزند را در بیرون خانه بگذراند و مانند یک ربات، بر خلاف فطرت و خصوصیات جسمی خود، هر روز از صبح تا عصر در محل کار حاضر شود و عصرها خسته از کار و ترافیک، در عمل فرزندان را تحمل کند.

امروزه با افزایش سرعت اینترنت، بسیاری از فعالیت‌ها، از قبیل آموزش مجازی، تایپ، ترجمه، طراحی‌های مهندسی و تهیه گزارش‌ها می‌توانند داخل خانه انجام شود؛ ولی متأسفانه اکنون به بهانه‌های واهی حملات سایبری در مراکز دولتی - که اصلاً حساس نیستند - بستر ارتباط از طریق اینترنت و دور کاری وجود ندارد. بدین منظور می‌توان راهکارهایی تعریف کرد. برای نمونه، هر مدیر دولتی موظف باشد دست کم سی درصد از مادران زیرمجموعه خود را به دور کاری بفرستد و در قالب ارتباطات مجازی به آن‌ها کار ارجاع دهد و نتیجه را دریافت کند. همچنین، در شرکت‌های خصوصی تسهیلاتی چشمگیر برای مدیرانی که شیوه دور کاری را اجرا می‌کنند، در نظر گرفته شود.

در واقع، چنین ایده‌هایی می‌توانند حرف نوی تمدن نوین اسلامی در حوزه زنان باشند که با وجود خانه‌محور بودن زن، وی دارای توانمندی‌هایی نیز می‌شود و در اجتماع هم حضور دارد. از دیگر مزایای چنین طرح‌هایی می‌توان به جلوگیری از اختلاط زن و مرد نیز اشاره کرد که از نقاط منفی تمدن غرب است؛ معضلی که خود نیز متوجه آن شده‌اند (فالاچی، ۱۹۶۱م)؛ چنانکه برنده جایزه نوبل بیوشیمی معتقد به آزمایشگاه‌های تک‌جنسیتی است؛ به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۱۵م بیان داشت: «بگذارید به شما بگویم که مشکل دخترها چیست...؛ وقتی آن‌ها در آزمایشگاه هستند، سه اتفاق می‌افتد... شما عاشق آن‌ها می‌شوید؛ آن‌ها عاشق شما می‌شوند؛ و وقتی که از آن‌ها انتقاد کنید، به گریه می‌افتند»

(پایگاه اطلاع‌رسانی فرارو، ۱۳۹۴/۰۳/۲۰). مثال دیگری که مؤید تمایل خانم‌ها به اختلاط کمتر با نامحرمان در صورت ایجاد فرصت است، واگن‌های قطار زیرزمینی تهران است که اکنون اکثریت قریب به اتفاق خانم‌ها به‌صورت آزادانه در واگن‌های ویژه بانوان سوار می‌شوند. خلاصه، نقشه مهندسی فرهنگی کشور راه‌حلی ارائه نکرده است که زن مسلمان عصر جدید - که ناگزیر دغدغه‌های حضور اجتماعی برای وی بسیار پررنگ شده است - امکان حضور با حداقل اختلاط را در محیط‌های کاری داشته باشد.

۶. نبود ایده‌های عملیاتی در حوزه فناوری اطلاعات، از جمله تأسیس شبکه اجتماعی اسلامی با مزیت‌های فراوان و تبلیغاتی که کاربر مسلمان را به حضور و نصب این شبکه بر روی موبایل و لپ‌تاب خود راغب کند؛ یا ایجاد مرکزی برای استانداردسازی و تولید بازی‌های اسلامی در سطح جهان اسلام که روی بسته آن، مشابه کالاهای خوراکی، نشان یا علامت حلال درج شود.

۷. با توجه به اینکه اکنون مسلمانان دچار کمبود اعتماد به نفس و خودباوری، به‌ویژه در حوزه اقتصاد و تولید محصولات هستند، به‌منظور هویت‌بخشی اسلامی، ایده حمایت از تولیدات اسلامی عملی شود. همان‌گونه که اکنون حمایت از تولیدات ملی به گفتمانی غالب در جامعه تبدیل شده است. برای مثال، کالاهایی که توسط مسلمانان تولید می‌شود، با یک نماد از دیگر تولیدات بشری متمایز و مسلمانان به استفاده از آن تشویق شوند.

جمع‌بندی

در این مقاله، نویسندگان با وجود مشاهده اهداف متقن و نشانانی در نقشه مهندسی فرهنگی کشور، دریافتند که این نقشه در برخی موارد مانند تغییر فرهنگ فرزندآوری در جامعه، راهکارهایی بسیار عملیاتی از جمله اعطای سکه طلا به مادران پیشنهاد کرده است. ولی در حوزه‌های دیگر، نشانان بسیار کلی بیان شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که به اعتراف دست‌اندرکاران این نقشه، حداقل یک سال زمان برای تهیه شیوه‌نامه اجرایی مورد نیاز است.

نگارندگان با ارائه پیشنهادهایی، بر نبود توجه کافی به مفهوم تمدن نوین اسلامی در نگارش این سند تأکید داشتند.

منابع

۱. اکبری، مرتضی و فریدون رضایی (۱۳۹۴). «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری». نشریه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۳، شماره ۵.
۲. باوند، برت (۱۳۹۵). نشانان تمدن: منشأها، معناها و اشارات. ترجمه محمد ملاعباسی. انتشارات ترجمان علوم انسانی، تهران.
۳. بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۲/۰۶/۱۳). «آیا از این کشکول، نقشه فرهنگی برون تراود؟». دسترسی در: پایگاه تحلیل خبری دین‌پژوهی. به نشانی: <http://www.dinonline.com/doc/news/fa/1784>
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی فرارو (۱۳۹۴/۰۳/۲۰). «اظهارات جنجالی برنده جایزه نوبل درباره دختران». نشانی: <http://fararu.com/fa/news/236351>
۵. پورزنجانی، برزو (۱۳۸۸). «روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور». نامه پژوهش فرهنگی، سال ۳، شماره ۱.
۶. جاودانی صوری، مجید و حسنی، سیدمصطفی (۱۳۹۲). چیستی و شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی. مشهد.
۷. جهان‌بین، فرزاد (۱۳۹۵). درس گفتارهای فرزاد جهان‌بین پیرامون تمدن نوین اسلامی. کارگاه آموزشی تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۸. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۱/۰۱/۲۶). بیانات جلسه بیست‌دوم تفسیر سوره بقره.
۹. حنایی کاشانی، محمدسعید (۱۳۸۲). «مؤلفه‌های رنسانس چیست؟». بازتاب اندیشه، شماره ۳۷.
۱۰. هدار، احمد؛ بابایی، حبیب‌الله؛ خراسانی، رضا و کریمی قهی، محمدتقی (۱۳۸۸). جستاری نظری در باب تمدن. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۱. صیادنژاد، علیرضا (۱۳۸۷). «رابطه تمدن اسلامی و تأثیر دیدگاه‌های مستشرقین». مجموعه مقالات کمیسیون اجتماعی. نشریه مؤسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی. قم.
۱۲. فالاچی، اوریانا (۱۹۶۱م). جنس ضعیف. ترجمه یغما گلرویی. انتشارات نگاه، تهران.
۱۳. فوزی، یحیی و صنوبرزاده، محمدرضا (۱۳۹۱). «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)». نشریه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۳، شماره ۹.
۱۴. محمدیان، محمد (۱۳۹۵/۰۷/۱۰). «دولت عمداً نقشه مهندسی فرهنگی را اجرا نمی‌کند». مصاحبه با خبرگزاری تسنیم. به نشانی: <https://www.tasni-imnews.com/fa/news/1395/07/10/1198548>
۱۵. _____ (۱۳۹۵/۰۹/۱۸). «نقشه مهندسی فرهنگی همچنان خاک می‌خورد». مصاحبه با خبرگزاری تسنیم به نشانی: <https://www.tasni-news.com/fa/news/1395/09/17/1260461>
۱۶. نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۲). دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران.
17. Donald trump tweets. In: <https://twitter.com/realdonaldtrump/status/712850174838771712>.
18. Wikipedia. «Family structure in the United States». In: https://en.wikipedia.org/wiki/Family_structure_in_the_United_States. visited 14 april 2016.
19. Stems, Olivia. January 29, 2010. «Muslim inventions that shaped the modern world». In: <http://edition.cnn.com/2010/WORLD/meast/01/29/muslim.inventions/index.html>.
20. Stewart, S. D. 2006. Brave new stepfamilies: Diverse paths toward stepfamily living. Sage Publications.